پیش‌نویس یک قانون درباره مالکیت فکری و ادبی در مجلس درحال بررسی است که مجموعه فرهنگ را گران و قفل می‌کند

چگونه فرهنگ را فلج کنیم!

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

طبیعتا اینکه من نویسنده یا ناشر یا حتی موسیقیدان و سازنده فیلم بدانم اثری که تولید می‌کنم و می‌سازم حتما برای حفظ و گسترش آن قانونی وجود دارد، خوشحال می‌شوم. این یعنی وجود کپی‌رایت؛ مساله‌ای که این روزها خیلی از آن می‌شنویم. البته خیلی‌ها وقتی از کپی‌رایت می‌گویند، بقیه احساس می‌کنند که ما قانونی به این نام نداریم. در حالی که در سال ۱۳۴۸، چنین قانونی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید تا از حقوق نویسندگان، مصنفان و ناشران دفاع کند. در این گزارش می‌خواهیم هم از این قانون بگوییم و هم از لایحه جدیدی بگوییم که در سکوت به مجلس رفته است و به‌جای اینکه در کمیسیون فرهنگی بررسی شود به کمیسیون قضایی رفته است. قانونی که قرار است به‌جای راحت کردن کار فرهنگی به سمت گران کردن محصولات فرهنگی برود.

قانون سال ۴۸

قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان بدنه اصلی قانون حق تکثیر در ایران است، این قانون با هدف حمایت از حقوق مادی و معنوی مولفان، مصنفان و هنرمندان به‌وجود آمده و شامل ۳۳ ماده و ۳ تبصره است که پس از تصویب مجلس سنای ایران در تاریخ دوشنبه، ۳ آذر ۱۳۴۸ در جلسه روز پنجشنبه، ۱۱ دی ۱۳۴۸ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در تاریخ ۳۱ مرداد ۱۳۸۹ طرح اصلاح ماده ۱۲ این قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و بعد از تایید شورای نگهبان، به دولت ابلاغ شد. در این طرح، مدت حمایت آثار از ۳۰ سال به ۵۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده افزایش یافت، براساس این اصلاحیه، بعد از مرگ پدیدآورنده، اگر وارثی برای اثر وجود نداشته باشد یا حقوق آن بر اثر وصیت به کسی منتقل نشده باشد، برای همان مدت به‌منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی‌فقیه) قرار می‌گیرد. در همان سال یعنی ۱۳۸۹ پیش‌نویس لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دولت تقدیم شد که درصورت تصویب جایگزین قوانین فعلی حق تکثیر ایران شود. اما در سال ۱۳۵۲، قانون دیگری هم تصویب شد در این قانون، ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی برای حمایت از آثاری که مشمول قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان نیستند به‌وجود آمد و شامل ۱۲ ماده و یک تبصره پس از تصویب مجلس سنای ایران در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۵۲ و در ۶ دی ۱۳۵۲ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. با پیشرفت تکنولوژی اما اتفاق دیگری هم افتاد، برخی از حوزه‌ها بودند که در این دو قانون قبلی جایی نداشتند، برای همین باید برای آنها هم فکری می‌شد و بالاخره، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای حمایت از حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای و آثاری که برای اولین‌بار در ایران به ثبت رسیده‌اند مشتمل بر ۱۷ ماده و یک تبصره در سال ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. آیین‌نامه اجرایی این قانون در سال ۱۳۸۳ تصویب و در سال ۱۳۸۹ اصلاحیه‌ای به آن افزوده شد. نکته مهم این است که ما قانون داریم و احتیاج به قانون دیگری نیست و می‌شود با اصلاح همین قانون کار را ادامه داد.

لایحه جدید چیست؟

سال ۱۳۸۹، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت، تصمیم می‌گیرد قانون جدیدی را در زمینه مالکیت ادبی و هنری به دولت ارائه کند و بعد از تصویب در دولت به مجلس بفرستد، اما هنوز بعد از گذشت ۹ سال، خبری از این لایحه نیست. اما این روزها، نامی از لایحه دیگری برده می‌شود، لایحه‌ای با عنوان: «قانون حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مربوطه» این لایحه در شهریور ۹۸ توسط کارگروه مالکیت فکری کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی بررسی شد و قرار است که به تصویب برسد، این لایحه اما مشکلات و ایرادهای زیادی دارد، از ایرادهای حقوقی تا ایرادهایی که ضربه جبران ناپذیری به نشر کشور می‌زند.

نقض حقوق مولف در ماده ۱۸

فصل سوم این لایحه به اسم «استثناهای حقوق پدیدآورنده»، نام‌گذاری شده است، ماده‌ای که کاملا نقض حقوق مولف است و ایراد بزرگی به آن وارد است. ماده ۱۷ در این فصل می‌گوید: «بهره‌برداری از آثار مورد حمایت این قانون بدون اجازه پدیدآورنده یا دارنده حق، در موارد مذکور مجاز است. در کلیه این موارد، بهره‌برداری از اثر نباید با بهره‌برداری عادی از آن منافات داشته باشد یا به منافع مشروع دارنده حق، زیان غیرمتعارف وارد سازد.»

وقتی موارد این ماده را می‌خوانید متوجه می‌شوید که چطور حقوق مولف نادیده گرفته شده است.

ماده ۱۸- تکثیر آثاری که به‌صورت قانونی در دسترس عموم قرار گرفته‌اند در یک نسخه بدون اجازه دارنده حق مجاز است، به‌شرط اینکه این تکثیر توسط شخصی حقیقی انجام شود و منحصرا برای مقاصد شخصی تکثیرکننده مورد استفاده قرار گیرد.

تبصره- این استثنا شامل موارد زیر نمی‌شود:

۱- تکثیر اثر معماری به‌صورت ساختمان یا هر سازه دیگر

۲- عکس‌برداری از تمام یا بخش عمده اثر موسیقی به‌صورت نوشته(نت)

۳- تکثیر اثر هنرهای تجسمی به‌منظور استفاده مشابه با نسخه اصلی

۴- تکثیر تمام یا بخش عمده پایگاه داده به‌صورت الکترونیکی

نقض ماده ۱۸!

ماده ۱۹ این قانون، دقیقا نقض ماده ۱۸ است؛ چون در ماده ۱۸ تبصره‌ای برایش زده و چهار استثنا آورده است، اما دوباره در ماده ۱۹، یک سری استثنا برای همان ماده آورده که اعمال زیر بدون اجازه پدیدآورنده یا دارنده حق مجاز است:

۱- تکثیر بخش کوتاهی از اثر، برای آموزش از طریق تشریح در نوشته‌ها یا ضبط شنیداری یا دیداری، با ذکر ماخذ و نام پدیدآورنده، به شرط اینکه از حدود متعارف تجاوز نکند.

۲- تکثیر مقاله‌های منتشر شده و دیگر آثار کوتاه یا چکیده برای آموزش حضوری در موسسه‌های آموزشی که فعالیت آنها مستقیم یا غیرمستقیم جنبه انتفاعی نداشته باشد، تا حدود متناسب با مقاصد آموزشی با ذکر ماخذ و نام پدیدآورنده، همچنین تکثیر این قبیل آثار به‌صورت الکترونیکی و قراردادن آن در شبکه‌های رایانه‌ای با امکان دسترسی محدود برای دانشجویان، دانش‌آموزان و مدرسان آن موسسه آموزشی.

نقض دوباره

دوباره در ماده ۲۰، باز هم نقض ماده ۱۸ یا به‌بیانی دیگر به تمسخر این ماده پرداخته است. ماده ۲۰ هم می‌تواند دوباره در تبصره‌های ماده ۱۸ قرار بگیرد. این ماده برای کتابخانه‌ها گذاشته است که هر کتابخانه یا مرکز یا موسسه بایگانی که فعالیت مستقیم یا غیرمستقیم جنبه انتفاعی نداشته باشد، می‌تواند در موارد زیر بدون اجازه دارنده حق اثر را تکثیر کند.

۱- تکثیر مقاله یا دیگر آثار کوتاه یا چکیده اثر، برای تامین درخواست یک شخص حقیقی، به شرط اینکه:

الف- کتابخانه، مرکز یا موسسه بایگانی متقاعد شود که نسخه تکثیر شده فقط برای مطالعه یا پژوهش شخصی به کار خواهد رفت.

ب- عمل تکثیر یک‌بار جداگانه و درصورت تکرار در نوبت‌های جداگانه، بی‌ارتباط با هم باشد.

ج- درصورت وجود اجازه جمعی، بهره‌برداری‌ای که از سوی موسسه مدیریت جمعی مربوط ارائه می‌شود، طبق شرایط آن عمل شود.

تکثیر برای خود

ماده ۲۲- تکثیر موقت اثر با رعایت شرایط زیر مجاز است:

در فرآیند انتقال دیجیتالی اثر یا قابل دریافت شدن اثر ذخیره شده صورت گرفته باشد.

همه این مواردی که گفته شد، نقض حقوق مولف است، شما فکر کنید مانند ماده ۱۷ و ۱۸ مندرج در این لایحه، هرکسی برای مقاصد شخصی خود، کتابی را تکثیر کند یا مثلا این‌طور فکر کنید که یک نویسنده، کتابی را می‌نویسد، یک نفر به او می‌گوید این کتاب را به من قرض بده و بعد آن را برای خودش تکثیر می‌کند، این نکته باعث می‌شود که هرکسی کتاب را برای خودش تکثیر کند که طبیعتا نویسنده و ناشر از این منظر ضرر خواهند کرد.

کپی برن

ماده ۱۱۷ این قانون که دقیقا کپی برابر اصل برن است، به قلمروی اعمال قانون این لایحه می‌پردازد، ابتدا این ماده را بخوانیم و بعد به تحلیل آن و اتفاقاتی که بعد از تصویب می‌افتد، بپردازیم:

ماده ۱۱۷- مقررات این قانون راجع‌به حمایت از حقوق مادی آثار ادبی هنری، محدود به قلمروی جمهوری اسلامی ایران است و در موارد زیر اعمال خواهد شد:

۱- آثار پدیدآورندگانی که تبعه جمهوری اسلامی ایران هستند یا محل سکونت معمولی آنها در ایران است.

۲- آثاری که برای نخستین‌بار در ایران انتشار یافته باشند.

۳- آثاری که ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ نخستین انتشار آنها در کشور دیگری در ایران انتشار یافته باشند، بدون توجه به تابعیت یا محل سکونت پدیدآورنده.

این ماده دقیقا کپی ماده‌ای در کنوانسیون برن است، یعنی شما فکر کنید که نرم‌افزاری در کشوری منتشر شود، تمامی حقوق مادی و معنوی حق تکثیر اثر و حق توزیع اثر با پدیدآورنده است، یعنی پدیدآورنده تشخیص می‌دهد که این اثر در کجا توزیع شود و تعداد توزیع را هم مشخص می‌کند!

اما چیز دیگری که نادیده گرفته شده است، بحث قیمت عرفی است، در کنوانسیون برن، مساله‌ای داریم به اسم قیمت عرفی. مثلا فرض کنید که یک نرم‌افزار در آمریکا منتشر شود، قیمتش ۱۲۰۰ دلار است، اما وقتی وارد هندوستان می‌شود، قیمت عرفی آن به ۲۰۰ دلار تبدیل می‌شود، چون باید قیمت با منطقه و آن کشور تطابق داشته باشد.

ادامه از صفحه ۱۲

کتاب گران، گران‌تر می‌شود

طبق همین قانون باید برای همه‌چیز حق‌رایت پرداخته شود، حالا فرض کنید شما یک ناشر یا یک نمایندگی بازی‌های اینترنتی هستید، حق‌رایت یک اثر را می‌خرید، اما آنقدر گران خریده‌اید که مجبور هستید گران هم بفروشید، اما آن پدیدآورنده اصلی، حق دیگری هم دارد که در ماده ۱۶ به او داده شده و آن حق تکثیر است که پدیدآورنده می‌گوید اگر اثر من در ایران پخش می‌شود، باید ۱۰۰ نسخه باشد یا ۲۰ نسخه، یعنی تعیین‌کننده این تعداد خود پدیدآورنده است و اگر حتی یک نسخه بیشتر منتشر شود، او حق شکایت دارد.

درمورد گران شدن هم چون قیمت عرفی وجود ندارد، منجر به بالا رفتن قیمت‌ها در همه‌چیز به‌خصوص کتاب و نرم‌افزار می‌شود؛ وسایلی که برای تحصیل و علم لازم است. وقتی این اتفاق بیفتد، علم گران می‌شود و به‌عبارتی دیگر، علم در انحصار طبقه‌ای خاص قرار می‌گیرد، چیزی که همیشه از آن فرار میکنیم و نمی‌خواهیم که آموزش و علم مخصوص طبقه خاصی باشد، اما با تصویب این لایحه به سمتی می‌رویم که ناشران به‌خصوص در حوزه آموزشی مجبور به گران کردن کتاب‌ها تا چندین برابر می‌شوند و یک دانشجو برای یک کتاب، باید دست‌کم ۲ میلیون تومان بپردازد! رقمی که طبیعتا با بودجه ۹۰ درصد مردم کشور سازگار نیست و به سمتی می‌رویم که دیگر کسی حتی نگاهی به کتاب از دور هم نیاندازد. حالا نکته دیگری را هم باید گفت، ممکن است برخی شرکت‌ها و صاحبان حقوق مالکیت آثار مکتوب، نرم‌افزارهای محصولات سمعی و بصری چشم به بازار ایران نیز داشته باشند، اما با توجه به آنکه به‌واسطه تحریم‌های آمریکا نمی‌خواهند ریسک تحریم را به‌جان بخرند، قید بازار ایران را بزنند و درعین‌حال، مخالف توزیع آثارشان بدون رعایت کپی‌رایت در ایران باشند؛ در آن صورت تکلیف چیست؟ این بخشی از چالشی است که باید مورد توجه قرار گیرد، چون همان‌گونه که اشاره شد می‌تواند به خودتحریمی منتهی شود. البته چالش کتاب، چالش ساده‌ای است. فرض کنید یک داروی پیچیده کشف شده و سیستم درمانی ایران بدون توجه به کپی‌رایت شرکت تولیدکننده آمریکایی یا یک رژیم متخاصم با ایران، آن دارو را در کشورمان تولید و عرضه می‌کند. قاعدتا آن شرکت می‌تواند بابت نقض حقوقش در ایران طرح شکایت کند و نه‌تنها مانع از تداوم تولید دارو شود، بلکه غرامت نیز دریافت کند؛ یا یک شرکت نرم‌افزارهای بانکی که تحریم‌های آمریکا را رعایت می‌کند، می‌تواند از سیستم بانکی ایران شکایت و با جلوگیری از استفاده سیستم پیشرفته نرم‌افزاری‌اش، دست‌کم برای دوره‌ای، شبکه بانکی ایران را فلج کند. هزینه قابل توجه اجرای این قانون برای عموم مردم است. فرض کنیم مایکروسافت جهت فروش نسخه‌های اصلی ویندوز در ایران، پیگیری حقوقی‌اش را متکی بر این قانون آغاز کند؛ در آن صورت آیا مردم ایران توان خرید ویندوز ۷۰ تا ۱۰۰ دلاری را دارند؟ مجموعه کالکشن ادوبی (یک شرکت آمریکایی سازنده نرم‌افزارهای کامپیوتری) که بخش وسیعی از مردم ایران از آن استفاده می‌کنند، مجموعا چند هزار دلار قیمت دارند، اما در ایران کسی بابت نسخه اصلی آن رقمی پرداخت نمی‌کند.

آیا امکان چنین پرداخت‌هایی برای عموم مردم ایران وجود دارد؟ واقعیت آن است که برای طیف وسیعی از مجموعه‌های تجاری خصوصی نیز پرداخت این هزینه‌ها که با توجه به تعداد کامپیوترها ضریب می‌گیرد، ممکن نیست.

خودمان را جریمه کنیم!

از دیگر شاهکارهای این لایحه، ماده ۱۲۷ آن است که در ادامه توضیح این ماده را می‌آوریم:

ماده ۱۲۷- «هر موسسه مدیریت جمعی مطابق اساسنامه خود نمایندگی از طرف اعضا عهده‌دار اداره و مراقبت از حقوق معنوی و مادی اعضا به‌ویژه تعیین و وصول حق تالیف و عوض عادله، از جمله در موارد مقرر در ماده ۱۶، بنده ۲ ماده ۱۹، بند ۱ ماده ۲۰، ماده ۷۴، ماده ۸۰ این قانون و توزیع وجوه گردآوری شده بین صاحبان حقوق و حسب مورد اقامه دعوای حقوقی از طرف آنها خواهد بود.» خب این ماده چه چیزی می‌خواهد بگوید، فکر کنید یک نمایندگی در ایران، نمایندگی ۳۰ تا ۴۰ ناشر خارجی را به عهده دارد و اگر کسی حقوق این ناشر خارجی را نقض کند، همین نمایندگی می‌تواند شکایتی را به‌عنوان نماینده قانونی ناشر اصلی انجام دهد و حقش را بگیرد، اما حالا فکرکنید برعکس این اتفاق بیفتد، یعنی یک ناشر ایرانی حقش در کشوری ضایع شود، باید میلیاردها خرج کند و به آن کشور با توجه به تفاوت‌های ارزی سفر کند تا بتواند حقش را بگیرد، اما ناشر خارجی یا نمایندگی دارد یا اینکه اگر حتی خودش هم بخواهد این کار را انجام دهد با یک قیمت کم می‌تواند به ایران سفر کند و خودش حقش را بگیرد. اما برای برعکس این موضوع تدبیری در این لایحه نداریم.

لایحه‌ای که نفعی برای هیچ‌کس ندارد!

وقتی ما خودمان در قانون و از سال ۱۳۴۸، بحث مالکیت فکری داریم، چرا باید لایحه جدید برای آن تدوین کنیم، حالا لایحه جدید هم نوشته می‌شود، چرا باید در این لایحه، کپی قوانین برن را بیاوریم، در این لایحه جدید که در کمیسیون قضایی بررسی شده است، ۲۶ ماده آن مانند کنوانسیون برن است، یعنی کسی که این لایحه را نوشته، با گذاشتن کنوانسیون برن در کنارش، این لایحه ۱۳۳ ماده‌ای را نوشته است. درحالی که به گفته رهبر معظم انقلاب، برای نوشتن یک قانون بلندمدت، باید منافع ملی لحاظ شود، قانون باید عدالت‌محور باشد و نافی عدالت نباشد، یک نکته مهم در تدوین چنین لایحه‌ای این است که باید، از هر صنف نماینده‌ای باشد تا طبق مواردی که نماینده صنف درمورد حوزه تخصصی خودش می‌گوید، قانون نوشته شود، نه اینکه کسی قانون را بنویسد که هیچ اطلاعی درمورد حوزه تخصصی آن ندارد! اطلاع نداشتن درباره موضوعی می‌شود همین لایحه‌ای که الان در مجلس مراحل تصویب را می‌گذارند، که هم به ضرر مولف است هم ناشر و هم مخاطب و در کل نفع هیچ‌کس در آن در نظر گرفته نشده است. یک نکته دیگر که باید به آن توجه کرد این است که در همان کنوانسیون برن هم آمده کسانی که این قانون را پذیرفته‌اند، می‌توانند با کشورهایی که عضو این معاهده نیستند، روابط متقابل داشته باشند و با بستن قراردادهای بین دو کشور، روابط فرهنگی و مبادله فرهنگی داشته باشند. طبیعتا اگر قرار است و اصراری برای تصویب چنین قانونی وجود دارد، باید برای آن پیوست مالی داشته باشند که اگر این پیوست مالی نباشد با مشکلات بزرگ‌تری مواجه خواهیم بود.

نگاه حقوقی

دکتر طاهر حبیب زاده
عضو هیات علمی دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق علیه السلام

درخصوص تصویب برن ایرانی با اقدام داخلی

دست نگه دارید!

کنوانسیون برن که به اختصار «Berne Convention» و به‌طور رسمی «International Convention for the Protection of Literary and Artistic Works» (کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از آثار ادبی و هنری) نامیده می‌شود، یک توافقنامه بین‌المللی است درخصوص کپی‌رایت که در کنفرانس بین‌المللی برن در سال ۱۸۸۶ نهایی شده و بعدها در سال‌های ۱۹۰۸ در برلین، ۱۹۲۸ در رم، ۱۹۴۸ در بروکسل، ۱۹۶۷ در استکهلم و ۱۹۷۱ در پاریس مورد اصلاح واقع شده است. موارد مورد حمایت این کنوانسیون به‌موجب اصلاحیه ۱۹۲۸ رم، از جمله عبارتند از: هر محصول کتبی یا شفاهی علمی، ادبی، هنری، موسیقی، نقاشی و ترجمه، در قالب‌های مختلف از جمله کتاب، جزوه، سخنرانی و نمایش. باید توجه کرد که اخبار روزانه یا هر اطلاعاتی که ماهیت خبری دارد، از محدوده حمایت کنوانسیون بیرون است (ماده ۲ کنوانسیون به تفصیل این موارد را برشمرده است). به موجب اصلاحیه ۱۹۴۸ بروکسل نیز کارهای سینمایی و عکاسی هم به محدوده حمایتی برن اضافه شده‌اند. امضاکنندگان این کنوانسیون اتحادیه کپی‌رایت برن (Berne Copyright Union) را تشکیل می‌دهند.

هدف اصلی کنوانسیون ایجاد انگیزه در اشخاص برای خلق آثار فکری است. پس از خلق اثر نیز با طراحی مکانیسمی حمایت قانونی از آثار به عمل می‌آورد تا از نقض حقوق حاصله جلوگیری شود. اصولی مانند اصل رفتار ملی، اصل حمایت بدون قید و شرط ثبتی از آثار و اصل استقلال دولت‌های عضو در تعیین مدت حمایت از آثار از جمله اصول زیربنایی این کنوانسیون هستند.

اگر به یکی از موضوعات اساسی این کنوانسیون اشاره شود، این است که هر یک از کشورهای عضو این کنوانسیون باید از آثاری که برای اولین بار در دیگر کشورهای عضو اتحادیه برن منتشر شده است حمایت خودکار به عمل آورند. منظور از اثر منتشرشده یعنی؛ ۱. اثری که با رضایت صاحب اثر منتشر شده است و ۲. به‌نحوی که برای عموم به‌طور متعارف قابل دسترسی باشد. مثلا آلمان و فرانسه هر دو عضو این کنوانسیون هستند. اگر کتابی در آلمان منتشر شود و شخصی بخواهد در فرانسه حق مالکیت فکری این کتاب را نقض کند، مثلا بدون رضایت صاحب اثر یا کسی که حق به وی منتقل شده است، آن را در فرانسه بازنشر کند، دولت فرانسه چنین شخصی را تحت تعقیب قرار می‌دهد و طبق قانون فرانسه مانع از نقض این حق می‌شود. به عبارت دیگر، دولت فرانسه متعهد است از آثار خارجیان به‌مانند آثار اتباع فرانسوی در فرانسه حمایت کند (اصل رفتار ملی). با توجه به این مثال، چون ایران عضو این کنوانسیون نیست، لذا دولت ایران تعهدی به حفظ حقوق مالکیت فکری صاحبان آثار خارجی در داخل ندارد. به همین دلیل است که میدان انقلاب تهران ازجمله محل‌هایی است که آثار خارجی مانند کتب و نرم‌افزارها کپی‌برداری شده و به قیمت ارزان منتشر می‌شوند. این رویه به‌شدت به نفع مصرف‌کننده است، والا محصولات مشمول کپی‌رایت خارجی به قیمت گزافی در داخل عرضه می‌شود که طبیعتا از توان مالی عموم خارج است و تنها با خروج سنگین ارز از کشور می‌توان مانند سابق ارائه خدمات داد.

تاکنون ۱۷۷ کشور به کنوانسیون برن ملحق شده‌اند و در مقایسه با خیلی از کنوانسیون‌های دیگر، از اقبال بسیار بالایی برخوردار شده است. لکن، این بدان معنی نیست که ایران نیز حتما باید ملحق شود. هر کشوری شرایط خاص خود را دارد که قطعا در تصمیم برای الحاق یا عدم الحاق باید مدنظر قرار گیرد. به نظر ما، ایران هنوز شرایط لازم برای الحاق را ندارد و ضرری که از الحاق به برن متحمل می‌شود، به‌شدت بیشتر از نفعی است که خواهد برد. به عبارت ساده‌تر، تبعات اقتصادی الحاق به برن بسیار بالاست. بیش از آنکه موضوع الحاق به برن حقوقی باشد، اقتصادی است که با ابزارهای حقوق خود را نشان می‌دهد. یک کتاب خارجی که امروز در میدان انقلاب تهران با چاپ افست به قیمت ۳۰هزار تومان عرضه می‌شود، در صورت الحاق، مصرف‌کننده داخل مجبور است قیمت اصلی آن مثلا ۱۰۰ دلار یعنی بالای یک میلیون تومان را بپردازد. آیا چنین الحاقی منطقی است؟ آیا ما عمدتا مصرف‌کننده هستیم یا تولیدکننده؟ اگر دولت نیز بخواهد حمایت کند، به معنی خروج سنگین ارز از کشور است. مگر دولت ایران چقدر درآمد ارزی در سال دارد که حاضر است و می‌تواند چنین حجمی از ارز را به‌صورت مستمر بپردازد؟ ای‌بسا ایران، مشمول تحریمات علمی ناشران خارجی قرار گیرد و در این صورت، نه می‌توان کپی کرد و نه می‌توان آثار را وارد کرد! تکلیف چیست؟ موافقان الحاق به برن و برنی‌سازان قوانین داخلی، ابتدا باید به این سوالات پاسخ دهند. تلاش برای تصویب یک لایحه به‌هر قیمتی بدون توجیه منطقی، نوعی زورگویی است.

برخی از موافقان الحاق به برن، ازجمله ادعا می‌کنند که برای عضویت و ورود اصلی به سازمان تجارت جهانی (WTO) قبول برن لازم است. ثانیا، چراکه در معاهده تریپس (TRIPS) که پذیرش آن شرط ورود به سازمان تجارت جهانی است، پذیرش برن حکم شده است. این ادعا نادرست است؛ اولا، اصل جریان ورود به سازمان تجارت جهانی محل تامل و بحث است. ثانیا، در معاهده تریپس آمده است که باید دولت متقاضی عضویت در سازمان با مفاد مقررات ۱ تا ۲۱ برن مطابقت داشته باشد (shall comply with). مطابقت داشتن، غیر از الحاق است. ایران می‌تواند بدون اینکه به برن ملحق شود، مفاد مواد فوق را در قوانین داخلی وارد کند. شاید موافقان الحاق به برن و طراحان لایحه محل بحث، مدعی شوند که لایحه دقیقا همین کار تطبیق را انجام می‌دهد. پاسخ این است که آیا باید به هر قیمتی این تطبیق صورت گیرد؟! اول باید تبعات همین تطبیق بررسی شود و سپس تصمیم گرفته شود. یکی از تبعات این تطبیق این است که قطعا از نظر اقتصادی به سلطه خارجیان در حوزه علمی منتهی می‌شود که چنین سلطه‌ای خلاف قانون اساسی است. این سلطه به هیچ وجه قابل تقلیل نیست. در هرحال مخالفان سرسختی بر سر الحاق به برن وجود دارند، اما در این میان نباید با لوایح داخلی برن ایرانی تصویب کرد و همان اهداف را در قالب قانون داخلی عملی ساخت! مقنن باید هوشیار باشد. فراتر از این، اگر قوانین مالکیت‌های فکری داخلی همچنان نقص دارند، که دارند، لزوما نیازی به نوشتن پیش‌نویس قانونی جدید نیست. می‌توان نقص قوانین موجود را برطرف و به جای ساختن بنای جدید، بنای موجود را با هزینه کمتری تعمیر کرد و به همان هدف و کارکرد موردنظر رسید. قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ دقیقا مرتبط با مفاد لایحه است. می‌توان همین قوانین را به‌روزرسانی کرد و اگر بنا به هر مصلحتی نیاز به نوشتن متن قانون جدید است، باید از برنی شدن به دست خود، خودداری کرد. برای نمونه، فقط چند مورد از مفاد لایحه در دست بررسی را به اختصار تشریح می‌کنیم؛ آخرین نسخه عمومی لایحه که در دسترس ما و پایگاه‌های اینترنتی بود، ملاک قرار گرفته است:

۱. ماده ۲۹ در ترجمه

اساسا وقتی دولت ایران کنوانسیون مالکیت‌های ادبی و هنری موسوم به برن را نپذیرفته است، یعنی روح و فلسفه حاکم بر کنوانسیون را قبول ندارد نه یک یا چند ماده از کنوانسیون را، و لذا چه اصراری وجود دارد که اهداف آن کنوانسیون با قوانین داخلی پیش برده شود؟ این بنیادی‌ترین سوال درخصوص این لایحه است. نگارنده فعلا معتقد است عدم الحاق به برن به مصلحت کشور و به‌ویژه مصرف‌کننده یعنی عموم مردم است. مگر کنوانسیون برن از ایران چه می‌خواهد، جز اینکه از آثار خارجیان در داخل کشور به‌مانند آثار داخلیان حمایت شود یا فضایی ایجاد شود که همان نتیجه حاصل شود؟ این لایحه در ماده ۲۹ به‌نوعی به‌دنبال تحقق برن در بخش ترجمه است. چرا باید مترجم ایرانی ملزم به کسب اجازه از مولف باشد و تازه ۶ ماه صبر کند که آیا مولف اجازه می‌دهد یا خیر، این درحالی است که اصل موضوع حمایت حقوقی از ترجمه آثار خارجی در داخل، مخدوش است. حتی خارجیان نیز از ما چنین انتظاری ندارند که داخلیان ایجاد کرده‌اند! به نظر ما کلا ماده ۲۹ زاید است و باید حذف شود نه اصلاح. مواد مرتبط در لایحه با این ماده نیز باید اصلاح شود. ضمن اینکه شرایط مقرر در این ماده کاملا غیرحرفه‌ای است. مثلا طبق بند ۳ ماده ۲۹، وقتی اثری منتشر شد، باید سه سال صبر کرد و دید که آیا مولف، ترجمه می‌کند یا خیر و پس از آن اقدام به ترجمه کرد. در حالی که اگر اثر، اثر خوبی باشد، چرا باید سه سال صبر و علاقه‌مندان را از اثر محروم کرد و ای‌بسا آثاری روی دست آن اثر عرضه شود و ای‌بساتر، اثر اگر خوب باشد، ظرف سه سال تجدید چاپ و یحتمل تجدیدنظر شود و آن وقت تکلیف چیست؟ همچنین است در مورد کمیسیونی که مرکب از نمایندگان چهار نهاد مهم در کشور است. مگر می‌خواهیم درخصوص زن ایرانی که به‌موجب ازدواج تابعیت خارجی گرفته است، تصمیم بگیریم که آیا مال غیرمنقول می‌تواند در ایران داشته باشد یا خیر، که کمیسیونی چنین بلندمرتبه ترتیب داده‌ایم؟! نخیر، می‌خواهیم اجازه ترجمه یک اثر، مثلا یک کتاب دانشگاهی یا رمان ۲۰۰ صفحه‌ای را بدهیم، دیگر لازم نیست این همه تشکیلات و کمیسیون‌سازی عجیب و غریب کنیم. به نظر می‌رسد نویسندگان لایحه مقصود دیگری جز بحث‌های حقوقی داشته‌اند، مانند: برآورد حاجات برن در قانون داخلی و محکم کردن نقش نظارتی دولت که قطعا به‌ضرر جامعه نشر و علمی کشور است و ای‌بسا لابی‌گری‌ها در اعطای مجوز ترجمه آثار صورت گیرد یا تا مجوز اعطا شود به‌دلیل طولانی بودن پروسه اداری در کشور، نهایتا مترجم دلسرد شود و تبعات منفی فراوان دیگر. قطعا باید ماده ۲۹ از ریشه حذف شود و راه دومی در این خصوص به نظر نمی‌رسد.

۲. ماده ۱۱۶ در قلمرو اعمال قانون

این ماده نیز یک ماده برنی است. آن ایرانی‌ای که تعلق به ایران ندارد و در خارج از کشور اقامت دارد و همان‌جا اثرش منتشر می‌شود و اثرش در ایران ممیزی قبل انتشار نمی‌شود، چرا باید در ایران از حمایت قانون برخوردار باشد (بند ۱)؟ بند ۳ همین ماده نیز برنی است و فضایی ایجاد می‌کند که خارجیان بعد از نشر اثر در کشور خود، در ایران نیز منتشر کنند و از حمایت قانون ایران برخوردار باشند و این درحالی است که نتیجه بند ۳ کاملا برخلاف منافع کشور است. تصور کنید که ناشران انگلیسی کتب آموزش زبان انگلیسی بعد از انتشار کتب در انگلستان، ظرف ۳۰ روز در ایران نیز همان اثر را برای مجلداتی معدود مثلا تیراژ ۵۰۰ عدد منتشر کنند، آن‌وقت حساب کنید چه بلایی بر سر میدان انقلاب خواهد آمد؟! در واقع این ماده نیز به نام حمایت از کپی‌رایت و به کام خارجیان است. تبصره ماده نیز اشکالی دارد و آن اینکه اگر در دسترس قراردادن الکترونیکی باشد، ولی برای تاجر نه مصرف‌کننده، انتشار در ایران محسوب می‌شود که خود مشکل‌آفرین است.

۳. مواد ۸۹ تا ۹۶ در اقدامات گمرکی

این ماده نیز یک ماده برنی است، چون مبنای قانون با رویکرد حمایت از آثار خارجیان نوشته شده است. این ایرادات به‌طور مسلم وارد است. با چه فلسفه‌ای باید از ورود آثار علمی به کشور از جمله اینکه اگر گمان رود غیرمجاز تکثیر شده باشند، یعنی بدون اجازه ناشر تکثیر شده باشند، شد؟ چه کسی ما را ملزم به ممانعت از ورود چنین آثاری کرده است، کدام قانون داخلی یا کدام کنوانسیون بین‌المللی که ما بدان ملحق شده‌ایم؟ اگر تکثیر بدون اخذ رضایت صاحب اثر خارجی، در کشور مجاز باشد، چرا ورود آن غیرمجاز باشد؟! آیا نقض غرض نیست؟! چرا باید خارجی را به‌عنوان شاکی خصوصی (آخر ماده ۸۹) در مقابل یک ایرانی قرار دهیم، با چه تحلیلی؟ لایحه می‌خواهد از چه کسی حمایت کند از ایرانی یا خارجی، آن هم در بحث از اقلام علمی و فرهنگی؟ در اینجا که قاچاق سوخت یا نفت یا مواد مخدر نیست که لازم باشد با تمام قوا ایستاد؛ سخن از ورود اقلام علمی و فرهنگی به کشور است که در عمل نیز با دلار ۱۲۰۰۰ تومان کسی اقدام به تکثیر غیرمجاز در خارج و بعد ورود آنها به کشور نمی‌کند، بلکه یک نسخه از اثر را به‌راحتی وارد کشور می‌کند و در داخل تکثیر می‌کند، که در عمل هم چنین است. اگر نویسندگان لایحه می‌خواهند متنی منطبق بر واقعیت تنظیم کنند، سری به اداره گمرک تهران بزنند و استعلام کنند که مثلا در ۱۰ سال گذشته چه حجمی از آثار علمی و فرهنگی نه به‌صورت غیرمجاز بلکه حتی به‌صورت مجاز و غیرمجاز با هم وارد کشور شده است؟ خواهند دید میل‌ها به‌شدت کم بوده است. پیشنهاد عملی چیست؟ ۱. تمام مواد صریح برنی و هر آنچه اهداف غیرمعقول برن را با توجه به شرایط کشور ایران تعقیب می‌کند، از لایحه حذف شود و ۲. ترجیحا مفاد لایحه در قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ منعکس شود و قوانین مغایر ملغی اثر شود، بدون اینکه نیازی به وضع قانون جدید باشد.

حمله کمدین آمریکایی به شبکه‌های اجتماعی

«ساشا بارون کوهن» کمدین معروف، این هفته از «اتحادیه ضدافترا و رسوایی» خواستار وضع قوانینی دقیق‌تر بر شرکت‌های اینترنتی شد. این کمدین مشهور هالیوودی، شبکه‌های اجتماعی را «بزرگ‌ترین ماشین پروپاگاندای تاریخ» خواند و روسای «فیسبوک» «توئیتر» و «یوتیوب» را پادشاهان دزد فناوری پیشرفته نامید. به گزارش فارس، بارون کوهن در این مورد می‌گوید: «تاکنون کاملا آشکار شده که این شبکه‌های اجتماعی اصلا قابل اعتماد نیستند و نمی‌توانند برای خودشان قانون وضع کنند و تنها جریمه کردن آنها دردی را دوا نمی‌کند، چراکه آنها همچنان به تنفرپراکنی و تهمت و تعصب ادامه داده و دامن می‌زنند.» وی افزود: «مدیران فیسبوک، توئیتر و یوتیوب باید شخصا مسئولیت تمام محتواهایشان را بپذیرند، چراکه از دخالت در انتخابات گرفته تا نسل‌کشی، در همه امور دخالت می‌کنند و چنانچه مجددا چنین موردی صورت گرفت، باید به زندان بروند.» این کمدین به‌راحتی اعتراف کرده بود که گهگاه کمدی‌های او بچگانه و گاهی اوقات حتی توهین‌آمیز بوده است و در میان آثار او کارهایی وجود دارد که سطح تعصب مردم را پایین می‌آورد، ولی هنگامی که مردم از طریق این شبکه‌های اجتماعی حقیقتی را می‌پذیرند، خیلی راحت‌تر دروغ و تنفر واقعی را تشخیص خواهند داد. کوهن، مدیرعامل فیسبوک «مارک زاکربرگ»، مدیرعامل گوگل «ساندار پیچای»، بنیانگذاران سایت آلفابت «سرگئی برین» و «لری پیج»، مدیرعامل یوتیوب «سوزان وایکیکی» و مدیرعامل توییتر «جک دورسی» را به‌عنوان مسئول گسترش بسیاری از نفرت‌ها و تعصبات در اینترنت خواند و آنها را «۶ سیلیکون» (اشاره به سیلیکون وَلی کالیفرنیا محل پیدایش بزرگ‌ترین سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی دنیا) نامید و آن را «امپریالیسم ایدئولوژیک» خطاب کرد.

«پدرخوانده»، بهترین فیلم به انتخاب هالیوودی‌ها

نشریه سینمایی هالیوود ریپورتر برای اولین بار اقدام به معرفی برترین فیلم‌های سینمای آمریکا با نظرسنجی از برندگان اسکار، صاحبان استودیوهای فیلمسازی و چهره‌های بانفوذ تلویزیونی کرده است. به گزارش ایسنا، در این نظرسنجی از بیش از دو هزار نفر فعال در عرصه سرگرمی آمریکا درباره برترین فیلم‌های ساخته‌شده در هالیوود نظرسنجی شده است و این اولین فهرست از ۱۰۰ فیلم برتر هالیوود به انتخاب اهالی هالیوود محسوب می‌شود. در این فهرست برخلاف برخی فهرست‌های منتشرشده از سوی منتقدان، جای فیلم‌های مهمی چون «۴۰۰ ضربه» ساخته فرانسوا تروفو، «زندگی شیرین» به کارگردانی فدریکو فلینی، «جویندگان طلا» از چارلی چاپلین و... خالی است. در میان اصناف گوناگون هالیوود نیز تفاوت نظر چشمگیری در انتخاب برترین فیلم‌ها دیده می‌شود. به‌عنوان مثال کارگردانان و تهیه‌کنندگان در مجموع فیلم «پدرخوانده» را فیلم برتر خود معرفی کردند، اما از نگاه جامعه تصویربرداران، فیلم «۲۰۰۱: اودیسه فضایی» برترین فیلم تاریخ هالیوود است.

۱۰ فیلم اولی این لیست عبارتند از: «پدرخوانده / فرانسیس فورد کاپولا (۱۹۷۲)، جادوگر شهر اُز / ویکتور فلمینگ (۱۹۳۹)، همشهری کین / اورسن ولز (۱۹۴۱)، رستگاری در شاوشنک / فرانک دارابونت (۱۹۹۴)، پالپ فیکشن / کوئنتین تارانتینو (۱۹۹۴)، کازابلانکا / مایکل کورتیز (۱۹۴۲)، پدرخوانده ۲ / فرانسیس فورد کاپولا (۱۹۷۴)، ای.تی / استیون اسپیلبرگ (۱۹۸۲)، ۲۰۰۱: اودیسه فضایی / استنلی کوبریک (۱۹۶۸) و فهرست شیندلر / استیون اسپیلبرگ (۱۹۹۳).

قطع اینترنت به فروش بلیت‌های تئاتر ضربه زد

شهرام کرمی در گفت‌وگویی با ایسنا درباره اینکه با توجه به ضرری که به بسیاری از گروه‌های تئاتری به‌دلیل قطع اینترنت وارد شده، اداره کل هنرهای نمایشی همانند سینما، برنامه‌ای برای جبران یا کاهش این خسارت دارد یا خیر؟ بیان کرد: «از همان هفته قبل که قطع اینترنت باعث ریزش مخاطبان سالن‌های تئاتری شد، چند جلسه تشکیل دادیم تا برای لطمه نخوردن و حمایت از گروه‌های تئاتری شرایط را ارزیابی کنیم، چون متاسفانه فروش در تئاتر متکی بر سامانه‌های اینترنتی است و مدت‌هاست سالن‌های تئاتر به شکل قدیم گیشه ندارند و قطع یا اختلال اینترنت باعث بروز مشکل شده است. در این راستا از سالن‌های تحت پوشش اداره کل هنرهای نمایشی خواستیم تا جای ممکن برای تمدید اجراها یا آغاز اجراهای تازه تجدیدنظر شود، ولی به‌دلیل اینکه زمان‌بندی اجراها از قبل مشخص است و گروه‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند، انجام چنین کاری بسیار دشوار است و حتی سالن‌های خصوصی هم در این باره چالش دارند.» او افزود: «علاوه‌براین، وضعیت اعتباری ما هم طوری نیست که به‌طور مستقیم از گروه‌ها حمایت کنیم، به همین دلیل به‌دنبال راهکارهایی هستیم تا برای حمایت از این گروه‌ها اقدام کنیم و وقتی به نتیجه رسیدیم، اطلاع‌رسانی می‌کنیم.» کرمی در ادامه با اشاره به وضعیت سخت بودجه تئاتر که هرگونه حمایت را سخت‌تر می‌کند، گفت: «ما بابت یک‌سری رویدادها مثل جشنواره تئاتر آیینی و سنتی، جشنواره تئاتر کودک همدان و جشنواره تئاتر فتح خرمشهر تعهداتی داریم که متاسفانه هنوز پرداخت نشده است.»

ثبت قرارداد اکران ۲۳ نفر

غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش در گفت‌وگو با مهر درباره خروجی جلسه شورای صنفی نمایش گفت: «در جلسه امروز قرارداد «یادم تو را فراموش» به کارگردانی علی عطشانی در گروه زندگی بعد از «آشفتگی» به کارگردانی فریدون جیرانی و فیلم «آنجا همان ساعت» ساخته سیروس الوند در گروه زندگی بعد فیلم «یادم تو را فراموش» ثبت شد. همچنین در جلسه امروز قرارداد «۲۳ نفر» در گروه باغ کتاب بعد از «چشم و گوش بسته» ساخته فرزاد موتمن ثبت شد. «یادم تو را فراموش» به کارگردانی علی عطشانی پیش از این نیز برای ورود به چرخه اکران دورخیز کرده بود که با شکایت ناصر محمدخانی بازیکن سابق فوتبال به‌دلیل شائبه شباهت داستان فیلم با زندگی شخصی او، برای مدتی اکران این فیلم به تعویق افتاد. «بیست‌وسه نفر» عنوان فیلمی است که جدیدترین محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج به‌شمار می‌رود و در جشنواره فیلم فجر سال گذشته اکران شد و جوایزی هم کسب کرد؛ این اثر را مهدی جعفری کارگردانی کرده و رضا نوری، مجید پتکی و عبدالحلیم تقلبی جزء بازیگران اصلی «بیست‌وسه نفر» هستند. این اثر سینمایی روایت گروهی از رزمندگان نوجوان ایرانی است که در جریان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای عراقی درآمدند. مهدی جعفری پیش از این مستند «۲۳ نفر و آن یک نفر» را تولید کرده بود که جزء اولین آثار در معرفی نوجوانان حاضر در جنگ بود. آنچه راجع به فیلمنامه می‌توان گفت سوژه بسیار ناب و متفاوت آن است. ضمن اینکه تصویر فوق‌العاده نزدیک و اصطلاحا کلوزآپی است از وضعیت اسرا در سینمای ایران که تا به‌حال این گونه پرداختی را شاهد نبودیم.

ادامه در صفحه ۱۳